

# دل‌تنگ خند ه‌هایت می‌شویم

## داش علی

درباره علی انصاریان که همیشه برای دیگران زندگی کرد، برای شادی هوادار، خوشحالی بیننده‌ها و از همه مهم‌تر دل مادرش

### پرونده

۲۲ سال قبل جوانکی باقد و بالای بلند از فجر سیاسی به پرسپولیس آمد. در روز گاری که با رفتن مهدی هاشمی نسب، هواداران قرمز مغموم بودند، علی انصاریان خوش می‌درخشید و از سکوهای سرخ دلبری می‌کرد، سرش را جلوی توپ می‌گذاشت، با تمام وجود بازی می‌کرد و آن قدر درخشید که تا مدتی یحیی گل محمدی ملی‌پوش شد ذخیره‌اش. آن چه علی انصاریان را این قدر متمایز می‌کرد روحیه‌او بود؛ خودش را نمی‌دید، یک‌روز برای شادی سکوها سرش پر از بخیه می‌شد، یک‌روز برای شادی مردم به «زیر آسمان شهر» رفت و یک عمر به‌خاطر تنها نشدن «ننه علی» از دواج نکرد. پدرش را که از دست داد مادر شد همه‌چیزش. آرزویش این بود که قبل از مادرش بمیرد و باورش سخت‌است که علی به این آرزویش رسید، آن‌هم در روز مادر. این روحیه دوست‌داشتنی علی که بچه‌های پین شهر بود باعث شد محبوب سرخ‌ها بماند حتی وقتی به تیم رقیب رفت، آن‌جا هم با تمام وجود بازی کرد و احترام‌ها رو گروه‌را داشت. اما حالا ما ماندیم و یک دل‌تنگی، دل‌تنگی برای خنده‌های علی انصاریان؛ پسر با معرفت فوتبال، سینما و تلویزیون. علی که به‌خاطر بخیه‌های زبانی که در حین فوتبال روی سر و صورتش خورده بود به علی بخیه معروف شد. علی که رفیق با معرفتی برای مهر داد بود و فقط یک هفته بعد از او در این دنیا ماند. حالا یک بغض به‌بزرگی یک ملت برای علی ترکیده، برای تنهایی مادرش و برای این روزهای تلخ. فوتبال برای ما یک ورزش نبود و علی فقط یک فوتبالیست نبود. علی نماد رنجی بود که بچه‌های پایین شهر برای رسیدن به قله‌ها می‌کشند. او ثابت کرد پسر بچه دست‌فروشی که تابستان بلال می‌فروخت می‌توانست محبوب یک کشور باشد. مهر داد و علی به‌روزهای کودکی و نوجوانی خیلی از مارتنگ‌رو یا پاشیدند. با دست‌خالی و غیرت برای ماشادی آفریدند، چه قبل از فوتبال و چه بعد از آن. این پرونده تقدیم می‌شود به پسر با معرفتی که خنده‌هایش از یادمان نمی‌رود. کاش در گذشت تلخ دو چهره محبوب، تلنگری باشد برای ما تا بیشتر از قبل موارد بدهد اشته‌را را عایت کنیم.

## چرا داش علی این قدر محبوب بود؟

علی انصاریان محبوب همه‌ورز شکاران و فوتبالی‌ها بود. شاید به خاطر این که در هر دو تیم بزرگ کشور یعنی پرسپولیس و استقلال توپ زده بود و طرفداران دو تیم به چشم هم‌تیمی و بازیکن تیم خودشان به او نگاه می‌کردند. انصاریان در دوران اوج تیم‌ها فوتبال بازی کرده بود و ته ذهن هواداران همان محبوبیتش نقش بسته است. بازی متعصبانه‌ا و از ته دلش در کمتر بازیکنی دیده شده است، طوری که از بس با دل و جان بازی می‌کرد و صدمه می‌دید به علی بخیه معروف بود. او نه تنها بین فوتبال‌دوستان که در قلب سینمایی‌ها جا داشت. مرحوم انصاریان از اولین فوتبالی‌هایی بود که وارد تلویزیون و سینما شد. هرچند آن اوایل، بازیگری اش چنگی به دل نمی‌زد ولی باطن زدانی اش و تلاش و پیشرفت، توانست خودش را در دل هنر دوستان هم جا کند. در بازیگری هم به جای پول و شهرت دنبال شاد کردن دیگران بود.



حضور انصاریان در تیریسرخی آسان در سال ۹۴

ولی این رویه ماجرای محبوبیتش بود. علی انصاریان ذاتاً آدم دوست‌داشتنی بود. کاریزمایی داشت که حتی هواداران تیم رقیب هم دوستش داشتند. کم‌هستند بازیکنانی که در دوران ورزش حرفه‌ای یا بعد از بازی‌نستگی باز هم محبوب هواداران باشند ولی علی انصاریان این گونه بود. تعصبش به هر تیمی که برایش بازی می‌کرد و هوادار از ته دل باورش داشت، چهره دوست‌داشتنی اش که وقتی می‌خندید چشم‌هایش باریک می‌شد، نمک و جودش که ممکن نبود کسی او را ببیند یا حرفش را بشنود و لبخند، روی لبش ظاهر نشود، لحن داش مشت‌ی پایین شهری اش که وقتی حرف می‌زد، محبت، یکرنگی، صفا و صداقت در صدایش موج می‌زد، داستان فداکاری اش برای مادرش که خودش آن را وظیفه می‌دانست و عشق فرزندی اش مثل شده بود بین دوستان و هواداران‌ش.... همه این موارد باعث شده بودند تا مردم علی انصاریان را دوست داشته باشند.

علی انصاریان رفت ولی یادش، خنده‌های بانمکش، چهره دوست‌داشتنی اش، تعصب فوتبالی اش و مرام و معرفت‌ش در ذهن مردم باقی خواهد ماند. برای این که یادش را گرامی بداریم، بد نیست فصلی از برنامه «شام ایرانی» را که در آن حضور داشت، در شبکه نمایش خانگی ببینیم تا به خاطر نمک ریختن هایش دوباره از ته دل بخندیم که خودش خنده‌ر و بودو دوست‌داشت دیگران هم بخندند.

## ه‌هایت می‌شویم



### دل‌نوشته انصاریان برای مادرش

علی در توضیح یکی از پست‌های اینستاگرامی اش نوشته بود: «بهترین مادر دنیا، بهترین همسفر دنیا، پایه‌ترین ننه دنیا، با عشق‌ترین عشق دنیا، با معرفت‌ترین رفیق دنیا، نترس‌ترین زن دنیا، نمک‌ترین نمک دنیا، ساده‌ترین ساده دنیا، بهترین و قشنگ‌ترین زن دنیا، ننه علی ننه دنیا... شیرز‌ترین زن دنیا، خودم به نفر عاشق‌تمممممم، همه کاری می‌کنم که تو بخندی و خوشحال باشی ننه علی. ننه سادات فقط فقط بخند که تو همه چی من هستی. سایه‌ات بالای سرم و دعای پشت سرم. خدا قدرتشو با مادر به رخ دنیا و بنده‌هاش کشیده، به خود خود خدا قسم... افتخار کنید به مادرهاتون با هر تیپ و قیافه و زبان که خوش تیپ‌ترین و قشنگ‌ترین و خوش‌زبون‌ترین‌ها هستند. روح مادرهایی که نیستند هم شاد. روح پدرم شاد. ای کاش بود و کنارمون بودی که خیلی بدکاری پدر به من برای نبودن سلطان.»



### خاطره انگیزترین قاب‌های زندگی آقای بخیه

یکی از ستاره‌های دوست‌داشتنی دنیای فوتبال و بعدش سینما و تلویزیون، ۱۴ تیر ۱۳۵۶ به دنیا آمد و ۱۹ ساله بود که ورزش به دنیای حرفه‌ای مستطیل سبز را با تیم فجر شهید سپاسی شیراز جشن گرفت. خیلی زود و در ۲۱ سالگی به پرسپولیس پیوست و هشت سال در این تیم توپ زد. او همچنین سابقه بازی در استقلال به مدت یک فصل، شهرداری تبریز، سایپا، استقلال اهواز، شاهین بوشهر، استیل‌آدین و گسترش فولاد را هم دارد. اما انصاریان در کنار فوتبال، به بازیگری هم علاقه‌مند بود. او بر ای اولین بار در یکی از قسمت‌های سریال خاطره‌انگیز «زیر آسمان شهر» بازی کرد. بعد از آن و به خصوص از سال ۸۵ به بعد، در بیش از ۱۰ فیلم سینمایی و سریال تلویزیونی بازی کرد. در این بین، خاطره‌گویی‌ها و جملات شنیدنی و تأمل‌برانگیز او به خصوص در چند سال اخیر به دلیل حضور در برنامه‌های مهمان‌محور و پر بیننده تلویزیونی مثل خندوانه، دورهمی و... در یاد خیلی‌ها حتی افرادی که آشنایی کمتری با فوتبال دارند، ماندگار شده است. چند وقتی بود که مدافع اسبق قرمزها، راوی قصه‌های شیرین فوتبال شده بود. خاطراتش همیشه مشتری داشت و با آن لبخند دلنشین، همه را میخکوب خود می‌کرد. اما او حالا دیگر در بین ما نیست. در ادامه مروری داریم بر قاب‌های خاطره‌انگیز فوتبالی و غیر فوتبالی او به همراه تعدادی از جملات ماندگار انصاریان.

#### ● بهترین و بدترین خاطره فوتبالی انصاریان

علی انصاریان دربی‌های زیادی بازی کرده و تلخ‌ترین و شیرین‌ترین خاطرات فوتبالی اش در همین بازی‌ها رقم خورده است. بهترین خاطره او بازی فینال جام حذفی در برابر استقلال است. اما بدترین خاطره انصاریان از دربی‌ها چیست؟ او بدون این که بعد از شنیدن این سوال مکث کند، جواب داد: «قطعا اولین دیداری که با پیراهن استقلال مقابل پرسپولیس انجام دادم، بدترین خاطره‌ام بود.» جالب است یک پرسپولیسی با تمام وجود برای استقلال بازی کرده است.



#### ● گل زنی به البورکان و بهترین دروازه‌بان قرن آسیا

او که یکی از بهترین مدافعان ایران بود، سبک جدیدی از پنا‌ل‌تی زن را هم به نام خودش ثبت کرد. پنا‌ل‌تی‌هایی با دور خیز زیاد و ضربات آرام‌برخلاف حرکت دروازه‌بان، مطمئن و دقیق. او این نوع پنا‌ل‌تی را به بهترین دروازه‌بان قرن آسیا و البورکان افسانه‌ای بابر مونیخ در بازی دوستانه پرسپولیس

#### ● بازیکنی با ۸۰ بخیه!

علی انصاریان زمانی که در پرسپولیس بازی می‌کرد، بیش از ۸۰ بخیه روی صورت، پا و دستش خورد. او یکی از اسطوره‌های تعصب در پرسپولیس بود. خودش در همین باره گفته بود: «من رک‌دوردار بخیه در فوتبال ایران هستم و هیچ فردی به این رک‌دوردار، من نزدیک نخواهد شد.»



#### ● بازیگری، مجری‌گری و خوانندگی!

انصاریان بعد از خدا حافظی با فوتبال ترجیح داد به طور کلی فوتبال را کنار بگذارد و شانس خود را در حوزه دیگری امتحان کند. او مدتی به عنوان کارشناس فوتبال در تلویزیون حاضر شد و سپس تصمیم گرفت با بازی در چند فیلم سینمایی خودش را در حوزه بازیگری و سینما معروف کند. یکی از مهم‌ترین آثار وی در حوزه سینما و تلویزیون را می‌توان سریال کیمیا نامید. در این مجموعه علی انصاریان در یک نقش فرعی بازی کرد و بازی خوبی را هم از خود به نمایش گذاشت. او در زمان برگزاری جام جهانی ۲۰۱۸ به عنوان مجری در برنامه زاپیو کا که از شبکه اینترنتی آیو اسپورت پخش شد، حضور پیدا کرد که مورد توجه مخاطبان قرار گرفت و شوخی‌های او در این برنامه تلویزیونی با مهمان‌های برنامه بارها در شبکه‌های اجتماعی پر بازدید شد. انصاریان در سال ۱۳۹۰ تصمیم گرفت شانس خود را در موسیقی امتحان کند که به این ترتیب آهنگی به نام «شدید» را به بازار عرضه کرد که چندان موفق نبود.

در این تصویر، علی انصاریان در حال بازی فوتبال است.

دیگران نرسد. اگر به این مرحله برسد ما چیزهایی را زیر پا گذاشته‌ایم که دیگر نفس لذت از فوتبال را زیر سوال می‌برد. حالا که این‌ها را می‌نویسم یک فوتبالیست پر شور و با تعصب این کشور که در تیم‌های بزرگ پایتخت بازی کرده‌ا بین مارفته است. علی انصاریان فوتبالیستی بود که سال‌ها همه را مادر متن هواداری و هیجان‌مان‌حضور داشت. باو شاد و غمگین شدیم. با او خندیدیم، با او که خنده‌هایش بوی ناب‌زندگی می‌داد. ما همه را او وساق‌های بلندش، واژه تعصب و عشق به فوتبال را زیسته‌ایم. بچه با معرفت پایین شهر از جنس خودمان بود. خانواده دوست و بیش از همیشه دوستدار مادرش. باید همان‌روز‌ها که کری می‌خواندیم، همین روز‌ها که کری می‌خوانیم و

#### ماندگارترین جملات انصاریان

او در گفت‌وگو با رسانه‌ها، جملاتی را بر زبان آورده که هیچ وقت از ذهن فوتبال‌دوستان پاک نخواهد شد، عبارت‌هایی که نشان‌دهنده علاقه او به فوتبال، تلاشش برای پیشرفت در زندگی، نگاه او به زندگی و... بوده است.

● «ما خانواده‌ثروتمندی نبودیم. من در یک خانه ۴۰ متری بزرگ شدم. من و برادرم با هم بلال می‌فروختیم، شانس‌ی و آسکامی فروختیم تا بتوانیم در کنار پدر میو‌لی در بیاوریم.

● دوست دارم زمان مرگم را خودم تعیین کنم.

● یک شب با کاویانپور و علی کریمی ۱۸ ساندویچ مک دونالد خوردیم!

● تنها ملاک من انسان بودن است. پول، ثروت، شهرت و... هیچ کدام بر ایم اهمیت‌ی ندارند.

● فضای مجازی را نمی‌توان حریم شخصی دانست چون همه به آن دسترسی دارند!

● علی پروین بین دو نیمه برای مان قاطعی کرد و نگذاشت حتی آب بخوریم. نیمه دوم بازی را بر داریم. فردا روز نامه‌ها نوشتند معجزه تاکتیکی علی پروین بین دو نیمه!

● تیم ملی برای من مثل سایه‌ام بود. هر وقت به آن نزدیک شدم، از من دور شد!

● اگر کسی من یا فلان بازیگر یا ورزشکار را دوست ندارد، چه لزومی دارد که صفحه‌ان‌ها را ببیند و فحش بنویسد؟

● از استقلالی‌ها شکرمی‌کنم. یک سال برای آن‌ها بازی کردم در حالی که می‌دانستند پرسپولیسی هستم ولی حمایت‌م کردند.

● همیشه تلاش می‌کنم خودم باشم؛ چه موفق و چه ناموفق. همیشه تلاش کرده‌ام برای علی انصاریان شناسنامه خوب و واقعی بسازم.

● فرق فوتبال و سینما می‌دانید چیست؟ در فوتبال اگر اشتباه کنید، راه برگشتی نیست ولی اگر در سینما اشتباه کنید، می‌توانید کات دهید.

● من هیچ وقت فکر نمی‌کردم فوتبالیست شوم. کسی بودم که هر جمعه به ورزشگاه می‌رفتم تا بازی را ببینم.

● بر ایروایی بود که یک‌روز در همان زمین آزادی بازی‌کنم.

● در بازار پادویی کرده‌ام؛ برای این که پول اتوبوسی را که با آن سر‌تمریم می‌رفتم تأمین کنم. هر زمان هروپولی که به دست آورده‌ام، ۷۰ درصد این پول را برای خانواده‌ام کنار گذاشته‌ام و خودم تنها ۳۰ درصد آن پول را برداشته‌ام.

همه‌رو‌هایی که کری خواهیم خواند توی ذهن‌مان این سوال باشد که آیا ارزشش را دارد زیر سایه هوادار بودن دلی را بشکنیم و تخم‌کینه‌ای بکاریم؟ آیا ارزشش را دارد رفتار و گفتار ما دل مادری را شکسته باشد؟ امروز که خاطرات آدم‌های در گذشته و آن شور و هیجان‌ها را مرور می‌کنیم، اگر دلی را شکسته باشیم و کسی را زیر فشار نفرت پراکنی خودمان از نظر روانی درگیر کرده باشیم، دیگر دیر است که به خودمان بباییم. همین امروز باید حواس‌مان باشد که هواداری اذیت کردن دیگری و خراشیدن روح‌روان دیگری نیست. باید حواس‌مان باشد گذاشتن هر کامنت توهین‌آمیز یا ک‌ری که آغشته به توهین باشد، می‌تواند بعدا بسیار پشیمان‌مان کند. هواداری فوتبال باید چشیدن طعم ناب لذت فوتبال و شور دلپذیر همراهش باشد که اگر غیر از این باشد آن فوتبال هم دیگر دره‌ای ارزشش را ندارد.